

برای برطرف کردن نفاق چکار باید کرد؟

نفاق و دورویی صفتی است بسیار قبیح و زشت که انسان شرافتمند هیچ‌گاه متصف به آن نیست...



نفاق و دورویی صفتی است بسیار قبیح و زشت که انسان شرافتمند هیچ‌گاه متصف به آن نیست؛ چرا که مایه رسوایی و سرافکنندگی در این عالم پیش نزدیکان و آشنایان، و ذلت و عذاب دردناک در آخرت است. [1] نفاق یک بیماری روحی است و همانند سایر بیماری‌ها تا درست شناخته نشود، درمان آن امکان نخواهد داشت.

در این مقاله نخست به علائم نفاق اشاره، سپس راه برطرف کردن آن را بیان می‌کنیم. در روایات علائم زیادی برای نفاق ذکر شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: [1] بی‌مبالاتی در دروغ گفتن، خیانت به دیگران، بی‌شرمی و وقاحت، ادعای بی‌معنا (تو خالی) کردن، خائن بودن چشم، سفیه و خطا کار بودن، کم حیا بودن، کوچک شمردن گناهان، بزرگان دین را کوچک دانستن، گرفتاری‌های دین را سبک شمردن، کبر داشتن، دوست داشتن مدح، حسد ورزیدن، دنیا را بر آخرت ترجیح دادن، عمل شر را بر اعمال خیر مقدم داشتن، تحریک بر سخن چینی، دوست داشتن لهو و لعب، کمک کردن به اهل فسق و سرکشان، تأخیر در کار نیک و کوچک شمردن اهل خیر، کارهای زشت خود را نیکو دیدن، کارهای نیکوی دیگران را بد دانستن [2]; [raquo];

در روایت دیگری نشانه‌های نفاق این‌گونه بیان شده است: [1] از کاری نهی کند، ولی خودش از آن کار دست نمی‌کشد، فرمان می‌دهد به آنچه انجام نمی‌دهد، چون به نماز می‌ایستد سرش را این طرف و آن طرف می‌گرداند، روزش را شب کند در حالی که اندوهی جز خوردن شام ندارد، با این‌که روزه نبوده، و چون بامداد کند اندوهی جز خوابیدن ندارد، با این‌که شب را بیدار نبوده، اگر از او پنهان باشی تو را غیبت کند و اگر به تو وعده بدهد وفا نکند [3]; [raquo];

علاج این خصلت ناپسند، در دو مرحله صورت می‌پذیرد است: مرحله اول تفکر در مفاسدی که مترتب بر این رذیله است و دیگری مراقبت و مجاهده برای ترک آن؛ توضیح مرحله اول این‌که توجه به این نکته که در این دنیا اگر انسان به این صفت معرفی شد، از نگاه مردم می‌افتد و رسوای خاص و عام می‌شود و از کسب کمالات و رسیدن به مقاصد باز می‌ماند. در عالم دیگر نیز که عالم کشف اسرار است، با دو زبان از آتش محشور می‌گردد و با منافقان و شیاطین معذب می‌شود. پس، انسان عاقل که این مفاسد را دید، بر خود حتم و لازم می‌کند که این صفت را از خود دور کند.

مرحله دوم که عملی است؛ علاج در این مرحله، به این صورت است که انسان مدتی با کمال دقت از حرکات و سکنات خود مواظبت کند. بر خلاف خواهش نفس اقدام کرده و اعمال و اقوال خود را در ظاهر و باطن درست کند و ظاهرکاری‌ها را عملاً کنار گذارد، و از خدای متعال در خلال این احوال توفیق طلب کند که او را بر نفس امّاره و هواهای آن مسلط کند، و در این اقدام و علاج با او همراهی فرماید. اگر مدتی بدین حال باشد، امید است که نفس صفا پیدا کند و کدورت نفاق و دورویی از او زایل گردد و آیین قلب و باطنش از این رذیله پاک و پاکیزه گردد و مورد الطاف حق و رحمت ولی نعمت حقیقی گردد. [4]

البته، ادعیه و اذکاری نیز وجود دارد که در روایات به عنوان زایل کننده نفاق معرفی شده‌اند. حضرت رسول (ص) در روایتی صلوات بر خود و اهل بیتشان (ع) را سبب برطرف شدن نفاق دانسته‌اند. [5] همچنین در روایتی دیگر، بلند صلوات فرستادن را موجب زایل شدن نفاق معرفی کرده‌اند [6]. همچنین از حضرتش روایت شده است که فرمودند: [1] سوره قلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ و قلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، [1] مَعَشِقِشْتَانِ [7]; هستند. [7] این دو سوره را مَعَشِقِشْتَانِ نامیده‌اند؛ چون انسان را از شرک و نفاق پاک می‌گرداند [8]; [raquo];

- [1]. امام خمینی، چهل حدیث، ص 157، نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، چاپ بیستم، 1388 ش.
- [2]. منسوب به امام صادق، مصباح الشریعة، ص 144-145، اعلمی، بیروت، چاپ اول، 1400 ق.
- [3]. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، محقق و مصحح، غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، ج 2، ص 396، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، 1407 ق.
- [4]. امام خمینی، چهل حدیث، ص 158-159.
- [5]. کافی، ج 2، ص 492.
- [6]. همان، ص 493.
- [7]. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعة، تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 699، انتشارات اسماعیلیان، قم، 1405 ق.
- [8]. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج 6، ص 337، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، بیروت، چاپ سوم، 1414 ق.